

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما<span></span>ی جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008</p>		
<p><b>حدیث روز:</b></p> <p>پیامبر اسلام (ص)؛ هرکس کاری را بدون شناخت انجام دهد، ثباه کاری او بیشتر است از آنچه سامان می‌دهد.</p>	<p><b>پلک احساس:</b></p> <p>محبت باکسی دارم کز او باخود نمی‌آیم چو بلبل کز نشاط گل فراغ از آشیان دارد</p>	<p><b>تحف العقول</b></p>
<p><b>پلک احساس:</b></p> <p>محبت باکسی دارم کز او باخود نمی‌آیم چو بلبل کز نشاط گل فراغ از آشیان دارد</p>	<p><b>اوقات شرعی:</b></p> <p>اذان ظهر: ۱۲:۰۹ غروب آفتاب: ۱۷:۰۴</p> <p>اذان مغرب: ۱۷:۲۳ نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۴</p> <p>اذان صبح (فردا): ۵:۴۵ طلوع خورشید(فردا): ۷:۱۵</p>	
<p><b>پیش‌بینی آب و هوا جمعه</b></p>	<p><b>تهران</b> ☀️ ۱۲ / ۲</p> <p><b>اهواز</b> ☁️ ۱۸ / ۸</p> <p><b>ارومیه</b> ☁️ ۵ / -۴</p> <p><b>بجنورد</b> ☁️ ۶ / -۳</p> <p><b>رشت</b> ☀️ ۱۶ / ۸</p> <p><b>زاهدان</b> ☀️ ۲۰ / -۱</p> <p><b>کرمانشاه</b> ☁️ ۶ / -۴</p> <p><b>همدان</b> ☀️ ۹ / -۷</p>	
<p><b>حکمت ۱۰۰:</b></p> <p>❗️ بار خدایا تو مرا از خودم بهتر می‌شناسی و من خود را بیشتر از آنان می‌شناسم، خدایا مرا از آنچه اینان می‌پندارند، نیکوتر قرار ده و آنچه را که نمی‌دانند بیامرز.</p>		<p><b>نهج البلاغه</b></p> <p>❗️ بار خدایا تو مرا از خودم بهتر می‌شناسی و من خود را بیشتر از آنان می‌شناسم، خدایا مرا از آنچه اینان می‌پندارند، نیکوتر قرار ده و آنچه را که نمی‌دانند بیامرز.</p>

خودنویسی

یادداشتی از حامد عسکری شاعر و نویسنده

بیماری خوش بوی من

❗️ من بیمارم، رسماً بیمارم، حالا عرض می‌کنم؛ یک جنونی دارم آن هم جنون خرید عطر است. همیشه چهارتا شغل آرزویم بوده: کتابفروشی، گلفروشی، بلورفروشی و عطرفروشی و البته عطرفروشی را از هم بیشتر دوست دارم. مهم‌ترین مشغوم برای کارها و تصمیم‌های مهم روزمره‌ام هم همین است. مثلاً یک کار سخت وقتی پیشنهاد می‌شود. می‌دانم پدرم درمی‌آید، می‌دانم بیدارخواهی و استرس دارد، می‌دانم همه توانم را می‌گیرد تا انجامش دهم، ولی می‌پذیرم. بعد برای خودم یک عطر هدیه می‌خرم و خانه که می‌رسم اولین یاقی که جلوی آینه توی گردنم می‌زنم چشم‌هایم را می‌بندم و یک نفس عمیق می‌کشم که به جانم بنشیند و بعد می‌گویم دمت‌گرم حامد این هم از این، ارزشش را داشت. از هر عطری هم فقط یک بار می‌خرم.

مثلاً عطر دوران سربازی‌ام عطر حیوانچی بود. بویی گرم و ترکیبی از فلفل و ادویه و چوب، دیگر نخریدم. مثلاً عطر ازدواج‌م هرمس بود و دیگر تکرارش نکردم. حالا اینجا ی قصه جالب است؛ معمولاً سفر زیاد می‌روم، یک جوری خودم را فرودگاه می‌رسانم که یک ساعتی توی سالن انتظار فرصت چرخیدن داشته باشم. بعد می‌روم سراغ غرفه عطر فروشی و یکی یکی در عطرها را باز می‌کنم و شروع می‌کنم به مرور کردن خاطره‌ها. مثلاً عطر رمی را بو می‌کشم، می‌گویم؛ پیش دانشگاهی! عطر پرادا را برمی‌دارم می‌گویم؛ از مکه آمدن بابا، عطر دیویدوف را برمی‌دارم می‌گویم؛ یاد حسین بخیر، الان فرانسه درس می‌خواند و همین‌طور تا جایی که وقت داشته باشم و فروشندگان سمج غرفه چشم غره نروند ادامه می‌دهم. هر از گاهی خاطره‌هایتان را بردارید گردگیری کنید، بویشان بکشید، دوباره مرتب و منظم بچینیدشان سر جایشان. امان از عطرها بعضی وقت ها آدم را بیچاره می‌کنند. ❗️

## انقراض در کمین بائوباب‌ها

به گفته محققان، درختان بائوباب در آفریقای جنوبی به دلیل تغییرات اقلیم در حال نابودی هستند.

به گزارش خبرنگاران، آدانسونیا که عمر آن به ۲۰۰۰ سال هم می‌رسد به درخت زندگی مشهور بوده و سمبل آفریقااست که به آن نان میمون هم گفته می‌شود. اما این غول‌های عجیب و غریب که بیش از صدها لیتر آب در بدن خود جای می‌دهند، در حال احتضار هستند. طبق مطالعه انجام شده در سال ۲۰۱۸ به دلیل تغییرات اقلیمی این درخت رو به نابودی رفته است. به گفته این محققان، تعداد ۱۳ درخت به‌عنوان مسن‌ترین درختان بائوباب و شش درخت نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین و تنومندترین بائوباب به ثبت رسیده بودند که در طول ۱۲ سال گذشته ۹ درخت کهنسال و پنج درخت بسیار بزرگ از بین رفته‌اند. درخت بائوباب که در آفریقا عمرشان به زمان یونان باستان می‌رسد، تا ۳۰۰۰ سال هم عمر می‌کنند و هیکلشان از یک اتوبوس نیز بزرگ‌تر می‌شود. خشکسالی، عمده‌ترین دلیل برای از بین رفتن درختان بائوباب نامیده شده که تغییرات اقلیمی دلیل اصلی آن ذکر شده است.



سه درخت با سن بیش از ۲۰۰۰ سال در آفریقای جنوبی وجود داشت که در ده سال گذشته هرسه آنها نابود شده است. درخت panke با عمر ۲۵۰۰ سال مسن‌ترین بائوباب بود که در سال ۲۰۱۱ فرد.

# ج‌ا‌م‌ا‌ی‌ا

شاپه ۳۶۳۷- ISSN۱۷۳۵۰۳۶۷  
اینگاه اپنترنی: www.jjo.ir  
www.jamejamdaily.ir  
پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

پنجشنبه ۱۳ دی ۱۳۹۷ | ۲۶ ربیع الثاني ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۹۰ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Thursday - 2019 Jan 3

مرور خاطرات محمد حسین دانایی درباره نیما یوشیج در سالگرد درگذشت این شاعر

# روستازاده‌ای که هرگز سیاسی نشد

❗️ گرم یادآوری یانه / من از زیادت نمی‌کاهم / ترامن چشمم در راهم... ۵۹ سال قبل در چنین روزی نیما یوشیج از دنیا رفت، در سن ۶۲ سالگی. برای رفتنش خیلی زود بود. حالا که شعرهایش را می‌خوانی، حسرت می‌خوری از این رفتن زود هنگام. اگر بود چه واژه‌هایی که نمی‌ساخت و شعرهایی که نمی‌سرود که حالا ما با مرور و زمزمه آنها حالمان را از فرش به عرش برسانیم. ۱۳ دی‌ماه ۱۳۳۸ بود که علی‌نوری اسفندیاری، معروف به نیما یوشیج بعد از سپری کردن یک دوره بیماری سخت از دنیا رفت. مردی خلاق که نام پدر شعر نو ایران را به اسم خود در تاریخ ثبت کرد. روستازاده‌ای که کلمات در ذهنش فوران می‌کرد و با ریتم و آهنگی زیباروی کاغذ نوشته می‌شدند. مردی با جرأت که قالب‌ها و چارچوب‌ها را به هم ریخت تا طرخی نو در اندازد که انداخت... با محمد حسین دانایی، خواهرزاده جلال آل احمد هم صحبت شدیم تا خاطراتش را مرور کنیم وقتی به خانه دایی خود می‌رفت، خانه‌ای که در همسایگی نیما یوشیج بود.

❗️ **برایمان از همسایگی سه انسان بزرگ تاریخ بگوئید؛ جلال آل‌احمد، سیمین دانشور و نیما یوشیج.**

آن زمان من بچه بودم و معمولاً روزهای تعطیل به خانه دایی‌ام می‌رفتیم که حدوداً در ۵۰ قدمی خانه نیما یوشیج قرار داشت. در شرق خانه نیما، فاصله ۵۰۰ متری، قبرستانی بود که اهالی آن منطقه در آنجا دفن می‌شدند. بجز چند خانه پرکنده که ساخته شده بود، بقیه بیابان بود. دایی و سیمین خانم با نیما و همسرش عالیه خانم رفت و آمد زیادی داشتند. بعضی از روزهای تعطیل به زمین‌های کشاورزی و گندمزارهای اطراف می‌رفتند و شعر می‌خواندند.

نیما تا جایی که من یادم هست و در خاطرات دیگران شنیده و خوانده‌ام، بسیار خوش مشرب و مردم‌دار بود.

❗️ **چه اتفاقی باعث شده بود از یوش به تهران بیانید و در آن منطقه خانه بگیرند، شنیده‌ام بیشتر به**

**دلیل کار عالیه خانم بوده؟** عالیه خانم معلم بود. آقای درخشش که وزیر آموزش و پرورش آن زمان بود با اوقاف صحبت کرده و بخشی از زمین‌های موقوفه دزاشیب را برای آموزش و پرورش گرفته و تقسیم کرده بود بین معلم‌ها که مستاجر اداره اوقاف شوند و در آن جا برای خودشان خانه بسازند. عالیه خانم یک قطعه از این زمین‌ها را گرفته بود و از اولین خانه‌هایی بود که در آنجا



**عکس: تسنیم** جایی که دریا به کویر می‌رسد / بندر تنگ - سیستان و بلوچستان



هم وجود داشت. آن دوره اهالی فرهنگ و هنر و سیاسیونی که از شهرستان به تهران می‌آمدند دو احساس متفاوت در تهران‌ها ایجاد می‌کردند؛ اول این‌که همه باور داشتند هر چند آنها شهرستانی و دهاتی هستند اما آدم‌های پاک، ژال و صادقی هستند و دوز و کلک آدم‌های شهری را نداشته اما بینش اجتماعی و سیاسی بازی هم نداشتند و مرام و آداب شهرنشینان را بلد نبودند. البته جلال خیلی مراقب نیما بود و آن طور که شنیده و خوانده‌ام بیشتر اوقات به او یادآوری می‌کرد که «مراقب باش سیاسیون، ژلندت نکنند!» به نیما می‌گفت مواظب باش جذب حزب توده نشوی که از تو برای تبلیغات استفاده کنند. خیلی‌ها تلاش می‌کردند نیما را جذب حزب توده کنند و مثلاً هر هفته شعری از او در هفته‌نامه زحمتکشان چاپ کنند.

❗️ **نیما گرایش سیاسی خاصی داشت؟ می‌گویند در دوره‌ای با چپ‌ها نشست و برخاست داشته؟** نیما اصلاً آدم سیاسی نبود، به شدت عاطفی بود؛ به همین دلیل مثل بیشتر هنرمندان، نویسندگان و شاعران نسبت به ظلم حساس بود و عدالتخواه. گاهی هم با شعارهای حزب توده قلق‌ک می‌شد که سمت آن‌ها برود، اما هیچ وقت نفرت.

❗️ **نیما در اشعارش از همسرش، زیاد یاد کرده‌از رابطه نیما و عالیه خانم برایمان بگوئید چون شنیده‌ام نوشته‌ها شاهد براین است که او مقتدر بوده و چون درآمد هم داشته به نوعی رئیس خانه به حساب می‌آمده؟** بله! عالیه خانم به شدت مقتدر بود و مدیریت کل خانواده را به عهده داشت. او خواهرزاده جهانگیرخان صوراسرافیل بود و انگار خون پر جوش و خروش دایی در رگ‌های او جریان داشت. او آدم باسواد و روشنفکری بود، بیان خوب داشت و درشت‌هیکل و قوی بود. کدخدای محله بود و هر کس هر کاری داشت به عالیه خانم رجوع می‌کرد. فاصله سنی نیما و عالیه خانم زیاد بود و همه اینها باعث شده بود عالیه خانم در خانه برای خودش

❗️ **نیما در اشعارش از همسرش، زیاد یاد کرده‌از رابطه نیما و عالیه خانم برایمان بگوئید چون شنیده‌ام نوشته‌ها شاهد براین است که او مقتدر بوده و چون درآمد هم داشته به نوعی رئیس خانه به حساب می‌آمده؟** بله! عالیه خانم به شدت مقتدر بود و مدیریت کل خانواده را به عهده داشت. او خواهرزاده جهانگیرخان صوراسرافیل بود و انگار خون پر جوش و خروش دایی در رگ‌های او جریان داشت. او آدم باسواد و روشنفکری بود، بیان خوب داشت و درشت‌هیکل و قوی بود. کدخدای محله بود و هر کس هر کاری داشت به عالیه خانم رجوع می‌کرد. فاصله سنی نیما و عالیه خانم زیاد بود و همه اینها باعث شده بود عالیه خانم در خانه برای خودش

## عکاسی ناسا از دوردست‌های آسمان

سازمان فضایی ناسا سال نوی میلادی را با ثبت یک رکورد تاریخی آغاز کرد و توانست با استفاده از فضاپیمای نیوهوریزونز از دورترین جرم آسمانی که تا به حال مصنوعات بشر به نزدیکی آن رسیده‌اند، عکاسی کند.

به گزارش فارس، این شءِ یک جسم صخره‌ای موسوم به Ultima Thule است که فضاپیمای نیوهوریزونز موفق شده از فاصله ۳۵۰۰ کیلومتری آن رد شود و چند عکس محدود از آن بپندازد. اگرچه عکس‌های تهیه شده کیفیت زیادی ندارند، اما ظاهر این صخره فضایی که شباهت زیادی به گوی‌های بازی بولینگ دارد را به خوبی نشان می‌دهند. ناسا وعده داده که طی روزهای آینده تصاویر دقیق‌تر و باکیفیت‌تری از Ultima Thule تهیه شده و در معرض دید عموم قرار می‌گیرد.

Ultima Thule در انتهای منظومه شمسی و بعد از سیاره نپتون قرار گرفته است و انتظار می‌رود ارسال اطلاعات تهیه شده از آن به کره زمین ماه‌ها و چه بسا چند سال به طول بینجامد. این سیاره ۳۲ در ۱۶ کیلومتری در فاصله چهار میلیارد کیلومتری از زمین قرار گرفته است و در محیط اطراف آن سیارک‌ها و ستاره‌های دنباله‌دار زیادی قرار دارند که بخش عمده آنها از یخ تشکیل شده است.

## معجزه؛ ناپدید شدن تومور بدخیم

ناپدید شدن تومور مغزی دختر ۱۱ ساله‌ای که گفته می‌شد تنها چند ماه دیگر زنده می‌ماند، پزشکان را در حیرت فروبرد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، پس از انجام آزمایش در ۲۱ ژوئن امسال پزشکان متوجه شده بودند «روکسیل داس» به یک تومور نادر مغزی کودکان مبتلا شده است. او دچار سردرد می‌شد و احساس بی‌حالی به وی دست می‌داد. پزشکان به والدین این دختر اعلام کرده بودند که هیچ معالجه‌ای برای این تومور وجود ندارد و کمتر از یک درصد افراد مبتلا به این تومور شانس زندگی بیشتر از پنج‌سال را دارند. در حالی که این دختر شجاع به علت پرتو درمانی روز به روز ضعیف‌تر می‌شد، اسکات و جین داس، والدین این دختر چاره‌ای جز دعا کردن برای نجات دختر خود نداشتند. اما پس از آن‌که روکسیل اهل ایالت تگزاس آمریکا برای بررسی میزان پیشرفت درمان خود تحت آزمایش اسکن MRI قرار گرفت، پزشکان و والدینش دچار حیرت شدند، چراکه هیچ اثری از تومور مغزی نبود. دکتر ویرجینا هارود در این باره گفت: هنگامی که اولین بار ام‌آر‌آی روکسیل را دیدم برایم غیرقابل باور بود. تومور کاملاً محو شده بود و این غیرعادی بود. ❗️



بنابر گفته دکتر هارود سالانه حدود ۳۰۰ کودک آمریکایی و ۴۰ کودک انگلیسی به این بیماری مبتلا می‌شوند و پس از مدتی کودکان مبتلا توانایی راه رفتن، صحبت کردن و بلعیدن را از دست می‌دهند. همچنین در برخی موارد این تومور به از دست دادن دید کودکان منجر می‌شود و با پیشرفت بیماری آنها دچار مشکلات تنفسی می‌شوند. تنها حدود ۱۰ درصد این کودکان شانس زنده ماندن بیشتر از دو سال را پس از تشخیص اولیه تومور پیدا می‌کنند که در اکثر موارد شانس زنده ماندن کودکان حدود ۹ ماه است.

## شکارچیان خفاش

اعضای یک خانواده در منطقه یوگیاکارتای اندونزی در هر ماه بیش از ۸۰۰ خفاش شکار می‌کنند و معتقدند این حیوانات برای درمان بیماری‌ها مفیدند.

به گزارش فرارو، پدر و پسر خانواده سوکوراتی که سال‌های زیادی است در این کار فعالیت می‌کنند با رفتن درون غارها و ارتفاعات صعب‌العبور و گذاشتن تور اقدام به شکار خفاش می‌کنند. آنها بر این باورند که گوشت خفاش آسم و مشکلات تنفسی را درمان می‌کند. این خانواده هم از این راه کسب درآمد می‌کنند و هم از این‌که می‌توانند به بیماران کمک کنند به خود افتخار می‌کنند.

خفاش تنها پستانداری است که بال دارد و می‌تواند پرواز کند. دستان این پرنده به صورت شبکه‌ای به هم وصل است و به صورت یک بال درآمده است و به آنها این امکان را می‌دهد تا تنها پستانداری باشند که واقعاً پرواز می‌کنند. خفاش‌های حشره‌خوار، شب‌ها غذای خود را شکار می‌کنند. اما خفاش‌های میوه‌خوار سحرگاه و نزدیک غروب به جست‌وجوی غذا می‌روند.



آنها برای پیدا کردن میوه و شیره درختان مورد علاقه‌شان از حس بویایی خود بهره می‌برند. خفاش جانوری اجتماعی است. آنها در دسته‌های بزرگ در غارها یا روی درختان زندگی می‌کنند.